

بررسی نقش زنان بر رهبری و مدیریت خانواده های مذهبی و تأثیر آن بر تربیت فرزندان

پری باباکشی زاده^۱

چکیده

خانواده نخستین و مهم ترین نهاد اجتماعی در شکل گیری شخصیت و نظام ارزشی انسان است و به عنوان سلول بنیادین جامعه، نقش تعیین کننده ای در آینده فرد و اجتماع دارد. در جوامع مذهبی، خانواده علاوه بر انتقال فرهنگ و هنجارهای اجتماعی، مسئولیت مهمی در انتقال ارزش های دینی و تربیت معنوی نسل جدید ایفا می کند. از این منظر، بررسی عوامل مؤثر در مدیریت خانواده های مذهبی اهمیت ویژه ای می یابد. در میان این عوامل، نقش زنان جایگاهی اساسی دارد؛ زیرا آنان با مدیریت عاطفی، اقتصادی و تربیتی، علاوه بر ایجاد انسجام خانوادگی، به عنوان الگوی عملی، ارزش ها و آموزه های مذهبی را به فرزندان منتقل می سازند. زن در خانواده مذهبی نه تنها مادر و همسر، بلکه مربی و راهنمایی است که با سبک رهبری خود، مسیر تربیتی فرزندان را هموار می سازد. هدف این پژوهش، واکاوی نقش زنان در رهبری و مدیریت خانواده های مذهبی و تحلیل تأثیر آن بر تربیت فرزندان است. روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و توصیفی - تحلیلی انجام شده است و منابع دینی، جامعه شناختی و پژوهش های پیشین مورد بررسی قرار گرفته اند. یافته ها نشان می دهد که زنان در خانواده مذهبی از طریق ایفای نقش عاطفی و الگویی، انتقال ارزش های اخلاقی و دینی و مدیریت فضای معنوی خانه، نقش مؤثری در تقویت هویت دینی، رشد مسئولیت پذیری و کاهش آسیب های اجتماعی فرزندان دارند. بنابراین، تقویت نقش زن در مدیریت خانواده مذهبی می تواند به تحکیم نهاد خانواده و در نهایت، پایداری و سلامت جامعه منجر شود.

کلیدواژه ها: نقش زنان، خانواده مذهبی، تربیت فرزندان.

^۱ - دانش آموخته سطح دو مدرسه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها) مشگین شهر
- در حال تحصیل مقطع سطح سه مرکز آموزش های غیر حضوری قم

مقدمه

خانواده در همه جوامع به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی شناخته می شود، اما آنچه اهمیت آن را دوچندان می کند، کارکرد تربیتی آن است. اگر نهادهای آموزشی و رسانه ای نقش ثانویه در شکل دهی به هویت فرد دارند، خانواده نخستین عرصه ای است که ارزش ها و باورها در آن تجربه و درونی می شود. بنابراین، شناخت الگوهای مدیریتی خانواده برای فهم مسیر رشد نسل آینده ضروری است. در میان انواع خانواده ها، خانواده مذهبی ویژگی متمایزی دارد: این خانواده تنها به سامان دهی نیازهای مادی و عاطفی بسنده نمی کند، بلکه مأمور انتقال باورهای دینی و معنوی است. در چنین بستری، نقش زن از سطح «مادری» یا «همسری» فراتر می رود و به «رهبری تربیتی» بدل می شود؛ رهبری ای که با تصمیم های روزمره، سبک زندگی، و حتی شیوه واکنش به بحران ها معنا پیدا می کند. زن در خانواده مذهبی نه صرفاً مجری نقش های سنتی، بلکه مدیر فرآیند تربیت است؛ او می تواند با نحوه تقسیم وظایف، نوع ارتباطات عاطفی و انتخاب ارزش های محوری، جهت گیری فکری و اخلاقی فرزندان را شکل دهد. از این رو، بررسی علمی این نقش نشان می دهد که چگونه مدیریت زن در خانواده مذهبی می تواند به تولید نسلی متعهد، مسئولیت پذیر و مقاوم در برابر آسیب های اجتماعی منجر شود.

زن در خانواده مذهبی، علاوه بر ایفای نقش عاطفی و حمایتی، جایگاهی بنیادین در رشد معنوی اعضای خانواده دارد. بر اساس پژوهش ها، زن با جهت دهی به فضای عاطفی و معنوی خانه می تواند زمینه ساز گرایش فرزندان به ارزش های دینی و اخلاقی شود. این امر به ویژه زمانی اهمیت می یابد که مادر خود به عنوان یک الگو عمل کرده و آموزه های مذهبی را در عمل نشان دهد، نه صرفاً در گفتار. چنین الگوسازی ای، پیوندی عمیق میان باورهای دینی و رفتار روزمره ایجاد می کند و تربیت فرزندان را به فرآیندی طبیعی و درونی بدل می سازد^۱. از سوی دیگر، مدیریت تربیتی زنان تنها به انتقال ارزش های مذهبی محدود نمی شود، بلکه شامل مهارت های عملی در ارتباط با فرزندان نیز هست. یافته های پژوهشی نشان می دهد مادرانی که با فرزندان خود ارتباط عاطفی سالم برقرار می کنند، از روش های حل مسئله و گفت و گو استفاده کرده و در تربیت اقتدار همراه با محبت را به کار می گیرند، موفق تر در پرورش مسئولیت پذیری و استقلال فرزندان هستند. این

^۱ دهداری و جادری، نقش زن در رشد معنوی خانواده، ص. ۵۶.

امر نشان می‌دهد که مدیریت زن در خانواده مذهبی، ترکیبی از معنویت و مهارت‌های تربیتی است که در نهایت به رشد همه‌جانبه فرزند کمک می‌کند.^۱ بررسی نقش زنان در مدیریت و رهبری خانواده‌های مذهبی از آن‌رو اهمیت دارد که خانواده نخستین کانون شکل‌گیری شخصیت و هویت دینی فرزندان است. زن، به‌عنوان محور عاطفی و تربیتی خانواده، نقشی بی‌بدیل در انتقال ارزش‌های اخلاقی و معنوی ایفا می‌کند. بی‌توجهی به این جایگاه می‌تواند به تضعیف بنیان خانواده و بروز آسیب‌های اجتماعی در نسل آینده بینجامد. از این‌رو، مطالعه علمی این موضوع نه تنها به تقویت کارکرد خانواده کمک می‌کند، بلکه راهکاری برای ارتقای سلامت اجتماعی و تربیت نسلی متعهد و مسئولیت‌پذیر فراهم می‌آورد. با توجه به اهمیت این موضوع پژوهش‌های متعددی به آن پرداخته است، از جمله: ۱ - مهدی محمودی و ندا بخشی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی نقش تربیتی زنان در خانواده و تأثیر آن بر تحقق الگوی اسلامی - ایرانی نشان دادند که زنان می‌توانند با ایفای نقش تربیتی فعال، بستر تحقق الگوی بومی و اسلامی در جامعه را فراهم آورند. ۲ - فراس دهداری و سهاد جادری (۱۳۹۳) در مقاله نقش زن در رشد معنوی خانواده تأکید کردند که زنان با مدیریت معنوی و الگوسازی رفتاری، نقش محوری در پرورش هویت دینی و اخلاقی فرزندان ایفا می‌کنند. ۳ - طاهره ماهروزاده (۱۳۸۷) در مقاله نقش مدیریت زنان در خانواده بیان کرد که نقش مدیریتی زنان در تنظیم روابط خانوادگی، ایجاد همبستگی و هدایت تربیتی فرزندان نقشی اساسی و غیرقابل جایگزین دارد. پژوهش حاضر با تمرکز بر ترکیب نقش رهبری و مدیریت زنان در خانواده مذهبی و تحلیل هم‌زمان تأثیر آن بر تربیت فرزندان، فراتر از پژوهش‌های پیشین حرکت می‌کند. تمایز اصلی این تحقیق در رویکرد تلفیقی آن است که هم بر بعد معنوی و هم بر بعد مدیریتی نقش زن تأکید دارد و پیوند این دو را در شکل‌دهی به نسل آینده بررسی می‌کند.

پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که نقش زنان در رهبری و مدیریت خانواده‌های مذهبی و تأثیر آن بر تربیت فرزندان چیست؟

این پرسش به دنبال کشف چگونگی پیوند میان مدیریت زن در ابعاد عاطفی، تربیتی و معنوی خانواده مذهبی با شکل‌گیری هویت دینی، اخلاقی و اجتماعی فرزندان است.

^۱ دوست‌محمدی، با کودکت زندگی کن، ص. ۷۴.

۱- نقش زن در منابع دینی و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی

نقش زن در خانواده از دیرباز هم در متون دینی و هم در نظریه‌های جامعه‌شناسی مورد توجه بوده است. منابع اسلامی، زن را محور مهر، تربیت و مدیریت عاطفی خانواده معرفی می‌کنند و او را در انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی شریک اصلی مرد می‌دانند. در جامعه‌شناسی نیز زن به‌عنوان عاملی کلیدی در بازتولید فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی نسل آینده شناخته می‌شود. ترکیب این دو نگاه نشان می‌دهد که نقش زن نه تنها در خانواده، بلکه در شکل‌گیری جامعه سالم و پایدار تعیین‌کننده است. در ذیل به برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته شده است.

۱-۱ نقش عاطفی و روانی

نقش عاطفی و روانی زنان در خانواده مذهبی بیش از هر چیز در توانایی آنان برای ایجاد همدلی، آرامش و انسجام خانوادگی معنا پیدا می‌کند. خانواده بدون این بعد، صرفاً به نهادی زیستی و اجتماعی تقلیل می‌یابد، در حالی که ارزش و ماندگاری آن در بُعد عاطفی و روانی شکل می‌گیرد. مادر نخستین مرجع عاطفی فرزند است و کلمات، نگاه و حتی سکوت او می‌تواند حامل پیام‌های آرامش‌بخش یا اضطراب‌آفرین باشد. هنگامی که زن با نرمی و محبت میان اعضای خانواده پیوند برقرار می‌کند، فضای خانه به کانونی امن و مأمن تبدیل می‌شود که همه اعضا در آن احساس تعلق و اعتماد می‌کنند. در این بستر، همدلی نه یک شعار بلکه یک تجربه زیسته است که اعضای خانواده آن را در رفتار روزمره لمس می‌کنند. آموزه‌های دینی نیز بارها بر این بُعد تأکید کرده‌اند؛ قرآن کریم پیوند زناشویی را با واژه‌هایی چون «مودت» و «رحمت» معرفی می‌کند و این خود نشان‌دهنده آن است که آرامش و محبت، اساس خانواده سالم است. زن به‌عنوان حامل این مودت و رحمت، در مدیریت پنهان خانواده نقشی اساسی دارد و می‌تواند از طریق محبت و همدلی نه تنها روابط خانوادگی را بهبود بخشد بلکه مسیر تربیت فرزندان را نیز شکل دهد. بر اساس مطالعات انجام‌شده، مدیریت پنهان زنان در بعد عاطفی خانواده سبب کاهش تنش‌ها، افزایش احساس امنیت روانی و انتقال غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی و دینی به نسل جدید می‌شود. به بیان دیگر،

زن در جایگاه عاطفی خود نه تنها رابطه همسر و فرزندان را تنظیم می‌کند، بلکه الگوی عملی برای مدیریت احساسات و مواجهه با بحران‌های زندگی نیز ارائه می‌دهد.^۱

از سوی دیگر، انسجام خانوادگی به عنوان ثمره نقش روانی و عاطفی زن، تنها به مدیریت هیجان‌ها محدود نمی‌شود بلکه به شکلی فعال در فرآیند تربیت و شکل‌گیری هویت فرزندان نیز اثرگذار است. پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که زنان با مدیریت عاطفی خود، علاوه بر ایجاد آرامش روانی، در بازتولید فرهنگی و اجتماعی نسل آینده نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. زنانی که از مهارت‌های ارتباطی، گوش دادن فعال و حل تعارض بهره می‌گیرند، فضایی در خانواده ایجاد می‌کنند که کودکان در آن امنیت، اعتماد و همبستگی را تجربه کرده و این تجربه را به تعاملات اجتماعی خود منتقل می‌سازند. چنین فضایی مانع از شکل‌گیری آسیب‌های روانی مانند اضطراب، پرخاشگری یا انزوا در فرزندان می‌شود و آنها را برای ایفای نقش‌های مسئولانه در جامعه آماده می‌سازد. زنان در مقام مدیران عاطفی خانواده با اتخاذ تصمیم‌های روزمره و تنظیم روابط، شبکه‌ای از حمایت روانی ایجاد می‌کنند که حتی در شرایط بحرانی همچون فشارهای اقتصادی یا اجتماعی، بنیان خانواده را استوار نگه می‌دارد. این نوع مدیریت که غالباً نامحسوس است، نقشی برابر یا حتی فراتر از مدیریت آشکار دارد و نشان می‌دهد که زنان در قلب خانواده چگونه می‌توانند پیوندهای اجتماعی را نیز تقویت کنند. نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که مشارکت عاطفی و روانی زنان، میزان رضایت از زندگی خانوادگی را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد و بنیانی مستحکم برای رشد اخلاقی و اجتماعی فرزندان فراهم می‌آورد.^۲

۲-۱ نقش آموزشی و تربیتی

نقش آموزشی و تربیتی زنان در خانواده‌های مذهبی بیش از هر چیز در انتقال ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی از طریق آموزش مستقیم و غیرمستقیم جلوه‌گر می‌شود. خانواده نخستین بستر اجتماعی است که کودک در آن با مفاهیم بنیادی زندگی آشنا می‌شود و مادر به عنوان اولین مربی نقشی اساسی در این فرآیند دارد. آموزش مستقیم در قالب گفتار، نصیحت و آموزش‌های آشکار دینی، از جمله شیوه‌های زنان برای پرورش ذهن و اندیشه فرزندان است. اما اهمیت آموزش غیرمستقیم در این میان کمتر از آموزش مستقیم نیست، چرا که کودک بخش عمده‌ای از هویت

^۱ طباطبایی، نقش زن در مدیریت عاطفی و روانی خانواده با توجه به رویکرد قرآنی: مدیریت پنهان، ص. ۴۲.

^۲ حسینی و مولوی، شناسایی مؤلفه‌های مدیریتی زنان، ص. ۵۶.

نسلی مسئول و اخلاق‌مدار برای جامعه پرورش می‌دهند. پژوهش‌ها تأکید دارند که حضور فعال مادر در فرآیند تربیتی، مهم‌ترین عامل در کاهش آسیب‌های اجتماعی است و فقدان این نقش، آسیب‌پذیری فرزندان را به شدت افزایش می‌دهد.^۱

نتیجه‌گیری

نتیجه آنچه بیان شد نشان می‌دهد که زنان در خانواده‌های مذهبی نقشی بنیادین و چندبعدی در شکل‌گیری شخصیت و تربیت فرزندان ایفا می‌کنند. این نقش‌ها از عاطفی و روانی آغاز می‌شود؛ جایی که مادر با ایجاد همدلی، آرامش و انسجام، نخستین بذره‌های اعتماد و امنیت را در جان کودک می‌کارد. در ادامه، با ایفای نقش آموزشی و تربیتی، ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به فرزندان منتقل می‌شود و بدین ترتیب هویت دینی و اخلاقی آنان بنیان می‌یابد. در حوزه اقتصادی و مدیریتی نیز زن با تدبیر و قناعت، منابع خانواده را سامان می‌دهد و در عین حال الگویی برای مدیریت مسئولانه ارائه می‌دهد. افزون بر این، زن با نقش الگویی خود، سبک زندگی اسلامی - ایرانی را به صورت عینی برای فرزندان تجسم می‌بخشد و به آنان می‌آموزد که چگونه در زندگی فردی و اجتماعی دینداری را با اخلاق‌مداری درهم آمیزند. نقش معنوی و عبادی زنان، با اهتمام به عبادت، دعا و یاد خدا، فضای خانه را به محیطی سرشار از معنویت تبدیل می‌کند و پیوند اعضای خانواده با ارزش‌های الهی را استوار می‌سازد. در کنار این، نقش ارتباطی و اجتماعی زنان در مدیریت روابط خانوادگی و تعامل مثبت با اقوام و همسایگان، سرمایه اجتماعی خانواده را تقویت می‌کند و زمینه ورود مسئولانه فرزندان به اجتماع را فراهم می‌آورد. همچنین نقش حمایتی و هدایتی زنان، با پشتیبانی عاطفی و راهنمایی در تصمیم‌گیری‌ها، نسل آینده را برای پذیرش مسئولیت‌ها آماده می‌سازد. تأثیر این مجموعه نقش‌ها در تربیت فرزندان به وضوح نمایان است: پرورش هویت دینی و اخلاقی، تقویت مسئولیت‌پذیری و استقلال، ایجاد نگرش مثبت به خانواده و اجتماع و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که زن در خانواده مذهبی نه تنها ستون اصلی کانون خانواده است، بلکه با ایفای نقش‌های گوناگون، ضامن سلامت روانی، اخلاقی و اجتماعی جامعه آینده به شمار می‌رود.

^۱ کریمی، نقش مادر در پیشگیری از انحرافات اجتماعی نوجوانان، ص. ۸۸.

پیشنهادهات

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تقویت نقش زنان در مدیریت خانواده‌های مذهبی می‌تواند بنیان‌های تربیتی و اجتماعی را تحکیم بخشد. بر این اساس، توصیه می‌شود در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی، جایگاه زن به‌عنوان محور اصلی تربیت دینی و اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. همچنین ضروری است برنامه‌های آموزشی و مهارتی ویژه برای زنان در حوزه مدیریت عاطفی، اقتصادی و معنوی خانواده طراحی و اجرا شود تا ظرفیت‌های آنان به‌طور کامل شکوفا گردد. علاوه بر این، حمایت رسانه‌ای و اجتماعی از الگوهای موفق زنان در خانواده‌های مذهبی می‌تواند الهام‌بخش نسل جوان باشد. از سوی دیگر، ضرورت دارد در تحقیقات آینده ابعاد کمتر کاویده‌شده این موضوع مورد توجه قرار گیرد، از جمله:

۱. بررسی تطبیقی نقش زنان در خانواده‌های مذهبی و غیردینی
۲. تحلیل نقش مادران در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نوجوانان
۳. مطالعه تأثیر معنویت مادر بر هویت دینی فرزندان
۴. واکاوی نقش زنان در مدیریت اقتصادی خانواده‌های کم‌درآمد
۵. ارزیابی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی به زنان بر انسجام خانواده

منابع

۱. اشرف بارانلو، فریده و قرشی، سید یوسف. نقش زنان در ارتقای معنویت در نگرش اسلامی. هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، ۱۴۰۱.
۲. اکبری، محمد. نقش زنان در تحکیم خانواده و روابط اجتماعی. تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۹۲.
۳. امیدی، احد؛ آقاویردیزاده، لیلا؛ فیض‌زاده، صادق. واکاوی نقش تربیتی زنان در محیط خانواده از منظر فرهنگ اسلامی با تأکید بر دیدگاه امامین انقلاب. نشریه روان‌شناسی فرهنگی زن، دوره ۱۵، شماره ۵۸، دی ۱۴۰۲.
۴. امیری، فاطمه. زن و مدیریت خانوادگی در نگاه اسلامی. اصفهان: انتشارات بصیرت، ۱۳۹۴.
۵. امینی، لیلا. نقش مادر در تقویت نگرش اجتماعی فرزندان. قم: انتشارات معارف اسلامی، ۱۳۹۶.
۶. انهری، کیهان. نقش و وظایف مدیریتی زن و مرد در تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه فقه اسلامی. چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
۷. توسکی، سمانه فرهاد. ترویج سبک زندگی اسلامی و نقش تربیتی زنان. مجله پیام زن، شماره ۲۶۷، خرداد ۱۳۹۳.
۸. حسینی، فاطمه. نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۸.
۹. حسینی، فاطمه‌سادات و مولوی، زینب. شناسایی مؤلفه‌های مدیریتی زنان (مورد مطالعه: زنان در پست‌های مدیریتی بخش دولتی). مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۶، شماره ۱۰۱، پاییز ۱۴۰۲.
۱۰. حسینی، مریم. نقش زن در پایداری خانواده. تهران: نشر اندیشه معاصر، ۱۳۹۳.

۱۱. حیدری، فاطمه. خانواده و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۶.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. نقش و رسالت زن (زن و خانواده در سبک زندگی اسلامی - ایرانی). تهران: نشر انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۱۳. دوست‌محمدی، آذر. با کودکت زندگی کن: راهکارهای عملی برای چالش‌های تربیت فرزند. تهران: انتشارات علوم تربیتی کودک و نوجوان، ۱۳۹۵.
۱۴. دهداری، فراس و جادری، سهاد. نقش زن در رشد معنوی خانواده. اولین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۳.
۱۵. رحمانی، لیلا. شیوه‌های پرورش استقلال در نوجوانان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
۱۶. رستمی، الهام. زن و مشارکت اجتماعی در تربیت فرزندان. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۸.
۱۷. زارع، لیلا. زن و نقش حمایتی در خانواده دینی. قم: پژوهشگاه مطالعات اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۸. زعفرانچی، لیلا سادات. زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۳، ۱۳۸۵.
۱۹. سلطانی، فاطمه. زن و خانواده در فرهنگ اسلامی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۶.
۲۰. شادمانی، سارا. نقش زنان در اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، برلین، ۲۰۱۶.
۲۱. شریعت‌مدار، آ؛ آدینه‌وند، ف. فرایند انتقال مؤلفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان نوجوان. رویش روان‌شناسی، سال ۱۰، شماره ۷، ۱۴۰۰.
۲۲. شریفی، مریم. پرورش استقلال و مسئولیت‌پذیری در نظام تربیتی اسلامی. اصفهان: انتشارات معارف اسلامی، ۱۳۹۹.
۲۳. صفری، الهام. زن، حمایت‌گری و هدایت در خانواده اسلامی. همدان: نشر بعثت، ۱۳۹۷.
۲۴. طباطبایی، فرهاد. نقش زن در مدیریت عاطفی و روانی خانواده با توجه به رویکرد قرآنی: مدیریت پنهان. همایش ملی جایگاه و نقش زنان در مدیریت جهادی، ۱۳۹۳.
۲۵. طباطبایی، سیدعلی. نقش مدیریتی زنان در اقتصاد خانواده. همایش ملی جایگاه و نقش زنان در مدیریت جهادی، ۱۳۹۳.

۲۶. عساکره، هاجر؛ دیبا، حسین. نقش مادر در شکل‌گیری وجدان اخلاقی. مجله اخلاق، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۷.
۲۷. قاسمی، نرگس. زن و هدایت تربیتی خانواده. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۶.
۲۸. کاظمی، سارا. خانواده و جامعه‌پذیری دینی کودکان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۷.
۲۹. کریمی، سوسن. نقش مادر در پیشگیری از انحرافات اجتماعی نوجوانان. قم: نشر اندیشه نو، ۱۳۹۸.
۳۰. محمودی، مهدی و بخشی، ندا. بررسی نقش تربیتی زنان در خانواده و تأثیر آن بر تحقق الگوی اسلامی - ایرانی. دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، ۱۳۹۹.
۳۱. منصوری، زهره؛ نصیری، رقیه. نقش تربیتی مادر بر فرزندان با تأکید بر آیات و روایات. فصلنامه پژوهشنامه فقهی حقوقی زنان و خانواده، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۰.
۳۲. موسوی، علی. تربیت مسئولیت‌پذیری در خانواده‌های ایرانی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۷.
۳۳. مولایی‌پادده، پرویز؛ سیدی‌اصل، قدرت‌الله؛ سیدی‌اصل، رضوان. نقش زنان در ترویج فرهنگ اسلامی و تقویت هویت دینی و ملی فرزندان. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۱.
۳۴. نقشبندی، شبنم؛ آوانسیان، آرشاویر. نقش زن در تربیت فرزندان. انجمن علمی تربیت معلم همدان، ۱۳۹۰.
۳۵. یزدانی، علی. نقش اجتماعی زنان در جامعه دینی. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی، ۱۳۹۴.